نگاه کارشناس

ضرورت شکستن دیوار بی‌اعتمادی توسط باکو

روح‌الله مدبر
تحلیل‌گر مسائل اوراسیا

متاسفانه طی چند سال اخیر طرف آذربایجانی بـا انتخـاب اشـتباه مسـیر سیاسـت خارجی خـودش و افزایش حـوزه نفوذ اسـرائیل نه‌تنها سـطح بی‌اعتمادی در روابطش را با تهران دچار گسـتردگی کرده بلکه به صورت مشابه با مسکو هم تنش‌سازی‌هایی کرده‌اسـت. این رخدادها در قفقاز جنوبی دقیقاً یک پروژه انگلیسی است که با مستشاری اسـرائیل در آذربایجان در حال اجرا هسـتند. ایران همواره نشان داده‌است که به عنوان همسایه جنوبی طی سال‌های گذشته همراه و همیار جمهوری آذربایجان بوده اسـت. در زمانـی کـه این کشـور درگیـر دو جنگ بود حمایت‌هـای متعـدد در ابعاد مختلف از سـوی ایـران برای ملـت آذربایجـان کامـلاً ملموس و مشـهود بود. اما روندی کـه آذربایجان خصوصاً عرصـه رسـانه‌ای سیاسـی پیش گرفته‌اسـت و برخی از عناصر زیاده‌خواه در این کشـور، روند مناسبی در حوزه حُسن همجواری نیست.

سـفر وزیر خارجه ایران و سـفرهای قبلی که مقامات متعـدد ایرانی به باکو داشـتند تماماً به واسـطه ابلاغ این رویکرد بـوده که تهران در کنار حفظ خطوط قرمز ژئوپلیتیکی و امنیتی خودش مسـیر حُسـن همجواری را بـا آذربایجان پیش گرفته‌اسـت و این دیوار بی‌اعتمادی که توسـط محور آنگلوساکسونی و اسرائیل در آذربایجان بر ضد ایران کشیده شده، اگر فرو نریزد به نفع ملت آذربایجان نخواهد بـود. راه فروریختن این دیوار بی‌اعتمادی هم اقدام عملی از سـوی جمهوری آذربایجان خواهد بود. جمهوری اسـلامی ایران ترددها، ارسـال پیام‌ها و اقدامات سیاسی کاملاً دوستانه‌ای را برای طرف مقابل انجام داده‌است و در حوزه رسانه‌ای و اقتصادی هم رویکرد مثبتی نسبت به جمهوری آذربایجان وجود دارد، اما در مقابل گهگاه مشـاهده می‌شـود که حتی طرف آذربایجانی مسـیر ترانزیتی ایران را در آسـتارا به بهانه‌های مختلف مسـدود می‌کند. این اقدام‌ها به وضوح نشـان‌دهنده رویکـرد منفی حاکمیت جمهوری آذربایجان نسبت به ایران است.

بنابرایـن گام اصلـی را بایـد جمهـوری آذربایجان برای اثبات رویکرد حُسـن همجواری بردارد. این گام چندبُعدی اسـت؛ بُعد نخستش توقف سیاسـت‌های رسـانه‌ای ضدایرانی است که توسـط گروه‌های افراطی در این کشور انجام می‌شـود و مدیریت پشـت پرده این تبلیغات بر عهده انگلیس و آمریکا اسـت. گام دوم تعهد به موازین حُسن همجواری اسـت؛ اگر آذربایجان دست دوستی ایران را به گرمی بفشارد، قطعاً به نفع خودش خواهد بود.

نکتـه فوق‌العـاده مهمی در خصـوص پروژه «جاده صلح و شکوفایی ترامپ» که در چارچوب تفاهم‌نامـه صلـح آذربایجـان و ارمنسـتان بـا میانجی‌گـری آمریـکا به تصویب رسـید، وجود دارد. نخسـت اینکه ترامپ قراردادی ۹۹ ساله با آذربایجان و ارمنستان امضا کرد و نام این کریدور را ترامپ نامید. این نامگذاری و اجاره بلندمدت زمین‌ها نوعی تحقیر علیه دو کشـور آذربایجان و ارمنسـتان اسـت و نگاه ابزاری واشـنگتن به کشـورهای قفقـاز جنوبـی را نشـان می‌دهد. سوال این اسـت که چگونه مقام‌های آذربایجان و ارمنستان این حقارت راپذیرفتند. این کریدور، یک پـروژه ضدامنیتی برای کشـورهای منطقه و ایران محسـوب می‌شـود. طرف آمریکایی از کریدورهای تجاری برای حمل و نقل لجسـتیک تسـلیحات و حتی قاچاق مواد مخدر اسـتفاده می‌کند. حتـی گزارش‌هایـی در مورد توسـعه زیرسـاخت‌های توسـعه تسـلیحات میکروبی و بیولوژیـک توسـط آمریـکا در منطقـه به‌تازگی منتشـر شده‌اسـت. بنابراین این مسـیری که ترامپ قرار اسـت ایجاد کند هـم تحت انحصار یک قدرت فرامنطقه‌ای است، هم اجازه استقرار نیروهـای امنیتـی آمریکایـی را می‌دهـد. این کریدور می‌تواند باعث خدشه به تمامیت ارضی این دو کشـور شـود و نوعـی باخـت کامل هم برای ارمنسـتان و هم برای آذربایجان باشد. دو کشور قبلاً می‌توانسـتند از کریدور ارس با عزت اسـتفاده کنند امـا الان با رویکرد ذلـت باید از یک کریدور آمریکایی کـه مدیریت آن در اختیار آمریکاسـت بهره ببرند و این موضوع بر بی‌ثباتی منطقه خواهد افزود.

ایران و آذربایجان

کنار زدن ابرهای تنش

آیا سفر وزیر خارجه ایران به باکو می‌تواند اختلاف‌های گسترده دو کشور را برطرف کند؟

عکس: Apa.az

شهاب شهسواری
خبرنگار گروه دیپلماسی

سـیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسـلامی ایران روز گذشته برای سفری دوروزه وارد باکو شد. قرار است در این سـفر عراقچی با همتـای آذربایجانی خود، جیحون بایرامـف، وزیر خارجه جمهوری آذربایجان و همچنین الهام علـی‌اف، رئیس‌جمهور این کشـور و دیگر مقام‌های ارشـد جمهوری آذربایجان دیدار و گفت‌وگو کند. این سـفر، در پی سفر خلف خلف‌اف، دسـتیار ویژه رئیس‌جمهور آذربایجان، که در مهرماه سـال جاری انجام شد به گفته سفیر ایران در باکو «در چارچوب رایزنی‌های منظمی اسـت که بین وزارت امور خارجه‌های دو کشـور در سـطوح مختلـف در جریان است» صورت می‌گیرد. روابط تهران و باکو در طول سال‌های اخیر با فرازونشـیب‌های متعددی مواجه شده‌اسـت. چهار سـال پس از پیـروزی قاطع جمهـوری آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ و بازپس‌گیری سـرزمین‌های تصرف‌شده توسط ارمنسـتان، رویکرد باکو نسـبت به تهران نسبت به هر زمان دیگری تهاجمی‌تر شده‌است. در شـرایطی که در طول سه دهه از زمان تاسـیس جمهوری آذربایجـان، تهران همواره تلاش کرده‌اسـت تـا روابط گرم و صمیمانـه‌ای با جمهوری آذربایجـان برقرار کنـد و با تکیـه بر قرابت‌هـای فرهنگی، مذهبـی و زبانـی میان دو کشـور، جایگاه آذربایجـان را در سیاسـت خارجی ایران ارتقا دهد. با این حال، به‌ویژه پس از توفیق‌های جمهـوری آذربایجان در جنگ قره‌باغ با حمایت گسـترده ترکیه و اسرائیل، این کشـور اعتماد به‌نفس بسیار بیشتری در روابط خارجی پیدا کرده و رویکرد تهاجمی‌تری نسبت به تهران در پیش گرفته‌است.

فضـای روابط دو کشـور در طول چهار سـال گذشـته، مملو از بی‌اعتمادی شده‌اسـت. حمله دو سـال پیش یک شهروند ایرانی به ساختمان سفارت جمهوری آذربایجان در

احسان موحدیان تحلیل‌گر مسائل قفقاز در گفت‌وگو با «هم‌میهن»

باکو علاقه‌ای به بهبود روابط با ایران ندارد

روابط جمهوری اسـلامی ایران و جمهـوری آذربایجان، به‌ویژه در سـه سـال اخیر با مشـکلات زیـادی مواجه شده‌اسـت؛ از جملـه حملـه بـه سـفارت جمهـوری آذربایجـان در تهـران کـه باعـث قطـع موقـت روابط شـد، موضوع کریدور زنگزور و اتهـام حمایت جمهوری آذربایجان از اسـرائیل در جنـگ ۱۲روزه. این رخدادها باعث شده‌اسـت تا روابط دو کشـور همسـایه، به‌رغم تمایـل تهران به برقـراری روابط نزدیـک و صمیمانه از زمان تاسـیس جمهوری آذربایجان و شناسـایی فوری اسـتقلال این کشـور از اتحاد جماهیر شوروی، با موانع زیـادی مواجـه شـود. احسـان موحدیـان، تحلیل‌گر مسـائل قفقاز معتقد اسـت که باکو سیاسـت خارجی خود را همسو با غرب، ترکیه و اسرائیل تعیین می‌کند و در شرایط فعلی تمایل چندانی به بهبود روابط با تهران نـدارد. در ادامه متن کامل گفت‌وگـوی «هم‌میهن» را با احسـان موحدیان، تحلیل‌گر مسائل قفقاز مطالعه می‌کنید.

به اعتقاد شـما آیـا دورنمای روابط تهـران و باکو در آینده به سـوی نشـیب همیشـگی حرکت می‌کند و اختلاف‌ها ذاتی اسـت یا اینکه امـکان دارد دو طرف به‌رغم اختلاف‌هایی که دارند بتوانند روابط را بازسازی کنند؟

برداشـت من این اسـت که جمهـوری آذربایجـان با توجه به برداشـتی که از شـرایط فعلـی ایـران دارد، علاقه‌ای به تقویـت روابط با ایران نشـان نمی‌دهد. علتـش هم در واقع ساختارهایی است که باکو در حوزه روابط خارجی و سیاست خارجی در قبال ایران تعریف کرده‌اسـت. واقعیت این است که جمهـوری آذربایجان در حوزه سیاسـت‌گذاری در قبال ایران مسـتقل عمل نمی‌کند، یعنی این کشور تا حد بسیار زیادی در زمینه روابطش با ایران تابع تصمیماتی است که در اسرائیل، انگلیس، ترکیه و آمریکا گرفته می‌شود و این کشور در واقع تا حد زیادی تابع سیاست‌های این چند کشور است. سیاست این کشورها در حال حاضر این است که در منطقه قفقاز جنوبی به ایران فشـار بیاورند، لـذا به‌رغم اینکه ایران تمایل زیادی به گسترش همکاری‌ها با جمهوری آذربایجان، هم در حوزه کریدورهای ارتباطی، افزایش تعاملات اقتصادی و ایجاد روابط بلندمدت دارد و علاقه‌مند است در پروژه‌های بلندمدت حوزه انـرژی، حمل‌ونقل، لجسـتیک، راه‌آهن و کریدور شـمال - جنوب با باکو همـکاری کند، باکو با توجه به سیاسـت‌هایی که دنبال می‌کند، چنـدان تمایلی ندارد که روابطش را با ایران تقویت کند، بلکه دنبال این اسـت که روابط را در سـطحی حداکثر متوسـط حفـظ کند که تنش چشـمگیری ایجاد نشـود اما در مجموع در دورنمای روابط فعلاً تقویت روابط به شـکلی که به سـطح عالی برسد دیده نمی‌شود.

ما شاهد هسـتیم که جمهوری آذربایجان هنوز هم از ایجاد کریدور جعلی زنگزور سـخن می‌گوید. در مذاکراتی هم که بـا جمهوری ارمنسـتان در مورد مرزگـذاری و تعیین حدود مرزها دارند، هنوز بحث کریدور زنگزور پیش کشیده‌می‌شود. ترکیـه هـم از ایـن پـروژه پشـتیبانی می‌کنـد و در حوزه ساخت‌وسـاز و عمـران هم دسـت‌کم در خـاک آذربایجان زیرسـاخت‌های این کریدور ایجاد شده‌اسـت. درنتیجه در خصوص کریدور زنگزور شاهد هستیم که ادبیات آذربایجان و هدف‌گذاری‌اش تغییر نکرده‌است. از سوی دیگر تعاملات و همکاری‌های باکو با اسـرائیل به شکل گسترده در جریان است. خرید اسلحه از اسـرائیل به شکل گسترده و پیوسته ادامه دارد. تسلیحاتی که باکو از اسرائیل خریداری می‌کند روزبـه‌روز پیچیده‌تـر و تهاجمی‌تر می‌شـوند؛ از تاسـیس انواع کارخانه پهپاد و خرید پهپاد از اسـرائیل گرفته تا اخیراً خریـد ناوچه‌های جنگی تـا جمرها و دسـتگاه اختلال در برابر موشـک و پهپاد، این روابط روزبه‌روز بیشتر توسعه پیدا می‌کنـد. علاوه بر ایـن اخیراً همکاری‌هایی با پاکسـتان و ترکیه برای خرید جنگنده شروع شده‌است. در مجموع این نوع همکاری‌های نظامی و تسلیحاتی برای کشور کوچکی که تهدید خارجی خاصی متوجه آن نیسـت و در مهم‌ترین منازعه خارجی‌اش در حال امضای پیمان صلح با ارمنستان اسـت، چنین میزانی از واردات تسلیحاتی منطقی نیست و نشان‌دهنده برنامه‌های توسعه‌طلبانه است. مضاف بر اینها درگیری‌های اخیر آذربایجان با روسـیه این مسـئله را نشان می‌دهـد که ما در مرحله گذار در نظام بین‌الملل هسـتیم و کشورها جهت‌گیری‌های خودشان را در نظام نوین مشخص می‌کنند. در این جهت‌گیری‌هایی که مشـخص می‌شود به وضوح روشن است که آذربایجان به شکل کاملاً واضحی در کنار اسرائیل، آمریکا، انگلیس و ترکیه در مدار غرب ایستاده و روابطش با روسیه رو به تنزل است. در این چارچوب انتظار می‌رود که روابط با ایران هم قطعاً از حدی بیشتر نشود.

این کشور در مناطق قره‌باغ که از ارمنستان بازپس گرفته‌است هـم امکانات زیادی را برای حضور نیروهای اسـرائیلی فراهم آورده و فرودگاه‌هـای نظامـی تاسـیس کرده کـه در اختیار اسرائیل قرار داده یا فرودگاه‌های قدیمی که در اختیار شوروی بود را به اسـرائیل داده‌اسـت. تحولاتی کـه در جریان جنگ ۱۲ روزه اتفـاق افتاد و گمانه‌زنی‌هـا در مورد نقش آذربایجان در همـکاری با اسـرائیل در جنـگ ۱۲ روزه را افزایش داد و رویکردهای رسـانه‌ای در آذربایجان علیه ایران، پس از جنگ هم تغییر نکرده است و هرچند الان کمتر رفتار تهاجمی نشان می‌دهند، ولی در کلیات هراز چندگاهی مطالبی در رسانه‌ها و اظهارنظرها دیده می‌شود که تاکید می‌کنند ایران مجبور است کریدور جعلی زنگزور را بپذیرد. در ایام جنگ حتی صحبت از تهاجـم نظامی به تبریـز می‌کردند. اینها نشـان می‌دهد که رویکردهای ذاتی باکو تغییری نکرده و اصولاً تا تغییر اساسی در سـاختارهای سیاسی و در جهان‌بینی حاکمان آذربایجان ایجاد نشود بهبود روابط با ایران خیلی دشوار است.

مـا باید به ریشـه‌های تاریخی شـکل‌گیری این کشـور هم برگردیم و دقت کنیم که این کشـور اصولاً با این هدف شکل گرفت که زمینه‌ساز ایجاد آذربایجان بزرگ باشد، یعنی ایده اتحاد جنوب-شـمال-غرب مطرح بود. زمانـی هم که این جمهوری آذربایجان سوسیالیسـتی بود و بخشی از شوروی بـود، در آن زمـان هم مقام‌های شـوروی مرتب ایـن ایده را پیگیـری می‌کردند. اقدامات پیشـه‌وری بـرای جدا کردن آذربایجـان هم در همین راسـتا بود. الهام علی‌اف که پسـر حیـدر علی‌اف اسـت هم همیـن ایده‌ها را در ذهـن دارد. حیدر علی‌اف که جاسـوس کاگ‌ب بود و ایـن ایده‌ها را در ذهن داشـت و نگران نفوذ جمهوری اسلامی بود و الان هم الهام علـی‌اف این ایده‌ها را به زبان نمـی‌آورد ولی در عمل دوسـتی‌اش را با اسـرائیل خیلی عمیق کرده‌اسـت و تابع نظرات آنهاسـت. اسـرائیلی‌ها می‌خواهند که قفقـاز را به یک منطقه نفوذ جدید تبدیل کننـد که نیروهای تکفیری، اسرائیلی، ناتو، تجزیه‌طلبان و سلطنت‌طلبان راحت بتوانند از طریق این منطقه رفت و آمد کنند. لذا در این شرایط اینکه ما با این نگرش‌ها در جمهوری آذربایجان امیدوار به بازسازی روابط باشیم خیلی واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد.

ایران برای بهبود روابط با همسـایه شمالی باید چه سیاستی را در پیش بگیرد؟

به اعتقاد من جمهوری اسلامی ایران خطایی نکرده‌است که بخواهد سیاستش را اصلاح کند. شاید عامل مشکل در روابط تا حدی بی‌دقتی ما باشد. در همان سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۰ که جمهوری آذربایجان تاسیس شد و درگیر جنگ با ارمنستان شـد، ایران تلاش کرد از همه نظر به این کشور کمک کند. در آن دوران شـاهد کمک‌های نظامی، کمک‌هـای اقتصادی، میزبانـی از مذاکرات صلح و میانجیگری از سـوی جمهوری اسلامی ایران بودیم. بعد از این اما شاهد بودیم که در جمهوری آذربایجان نیروهایـی روی کار آمدند که رویه‌های ضدایرانی و

برداشت من این است که جمهوری آذربایجان با توجه به برداشتی که از شرایط فعلی ایران دارد، علاقه‌ای به تقویت روابط با ایران نشان نمی‌دهد. علتش هم در واقع ساختارهایی است که باکو در حوزه روابط خارجی و سیاست خارجی در قبال ایران تعریف کرده‌است. واقعیت این است که جمهوری آذربایجان در حوزه سیاست‌گذاری در قبال ایران مستقل عمل نمی‌کند